

روان‌شناسی تحولی

Developmental Psychology

بررسی خطوط تحول پس از جنگ جهانی دوم دریچه تازه‌ای را به سوی روان‌شناسان گشوده است. این حوزه تخصصی در روان‌شناسی که شاخه‌های تخصصی دیگری مانند روان‌شناسی مرضی و بالینی از آن سود می‌جویند، سالهاست که در زمینه شناخت از نظریه پیازه نشأت می‌گیرد. اعتقاد برخی از متعصبان مبنی بر آنکه نظریه پیازه در تاریخچه روان‌شناسی جای دارد و باید به دنبال حرفهای تازه بود، ما را بر آن داشت تا در این بخش، به معرفی آخرین پژوهش‌های تحولی که در جای جای آن نظریه پیازه سایه افکنده است بپردازیم.

ارتباط بین فعالیت کودکان با اشیا و توجه به ظاهر شیء

Perone, S., Madole, K. L., Ross-Sheehy, Sh., Carey, M., & Oakes, L. M. (2008). The relation between infants' activity with objects and attention to object appearance. *Developmental Psychology*, 44 (5), 1242-1248.

در این پژوهش، ارتباط بین مهارت‌های حرکتی کودکان و توجه به ویژگی‌های ظاهری شیء در موقعیتهای عمل (برای مثال، فشار دادن شیء با دست و تولید صدا مانند جیرجیر کردن) بررسی شد. بدین منظور، پس از آنکه کودکان ۶ تا ۷ ماهه ($N = 41$) را به یک موقعیت معین عادت دادند، به ایجاد تغییراتی در ظاهر شیء و عمل پرداختند. کودکان به تغییرات در عمل قاطعانه پاسخ دادند اما به تغییرات ظاهری شیء توجه نکردند. افزون بر این، فعالیت ماهرانه‌تر با اشیا در خلال بازی طبیعی با نگاه کردن طولانی‌تر به تغییر ظاهری و نه تغییر در عمل همراه بود. استلزامهای ارتباط بین ادراک و عمل در کودکان مورد بحث قرار گرفتند.

تأثیر تجربه: پیامد عمل کردن در مقابل دیدن بر ادراک بعدی کودکان در موقعیتهای استفاده از ابزار

Sommerville, J. A., Hildebrand, E. A., & Crane, C. C. (2008). Experience matters: The impact of doing versus watching on infants' subsequent perception of tool-use events. *Developmental Psychology*, 44 (5), 1249-1256.

پژوهش‌های پیشین این مسئله را مطرح کرده‌اند که تجربه فعال بر درک کودکان از اعمال ساده مؤثر است. در پژوهش حاضر به مقایسه اثر تجربه فعال و مشاهده‌ای بر توانایی کودکان در متمایز کردن هدف در یک موقعیت استفاده از ابزار جدید پرداخته شد. ابتدا کودکان، تمرین عملی و آموزش فعال را در استفاده از یک چوب دستی برای به دست آوردن یک اسباب بازی دور از دسترس دریافت کردند یا آنکه قبل از مشارکت در الگوی عادت‌دهی - که به منظور ارزیابی توانایی کودکان در متمایز کردن هدف یک فرد دیگر از استفاده از ابزار به کار می‌رفت - به مشاهده پرداختند. تمرین فعال به تنهایی توانایی کودکان ۱۰ ماهه را در متمایز کردن هدف از کاربرد ابزار تسهیل کرد. مشاهده تجربه فعال استفاده از ابزار توسط کودکان دیگر نیز آنها را قادر ساخت تا به تجسم حرکتی موقعیتهای استفاده از ابزار دست یابند و در نتیجه هم عمل ادراکی را هدایت کرد و هم مبنای فهم عمل قرار گرفت.

خود تجربه‌گری به عنوان یک مکانیزم یادگیری در باره دیگران: یک بررسی آموزشی در قلمرو شناخت اجتماعی

Meltzoff, A. N., & Brooks, R. (2008). Self-experience as a mechanism for learning about others: A training study in social cognition. *Developmental Psychology*, 44 (5), 1257-1265.

با استفاده از آزمون دنبال کردن با چشم، پژوهشگران به بررسی این نکته پرداختند که آیا تجربه شخصی مسدود شدن دید با چشم‌بندها، می‌تواند به درک کودک از تأثیر این عامل بر دیگران منتهی شود. در آزمایش اول، کودکان ۱۲ ماهه که تجربه شخصی از چشم‌بند داشتند به گونه‌ای رفتار کردند که انگار می‌فهمند شخصی که چشم‌بند دارد نمی‌تواند ببیند. هنگامی که یک بزرگسال با چشم‌بند به سمت یک شیء چرخید دنبال کردن با چشم توسط این کودکان به صورت معناداری کمتر از کودکانی بود که یا الف) چشم‌بند را دیده و حس کرده بودند اما دیدشان توسط آن مسدود نشده بود یا ب) چشم‌بندی را تجربه کرده بودند که از خلال آن می‌توانستند ببینند. در آزمایش دوم، کودکان ۱۸ ماهه الف) یک چشم‌بند تردستی که تیره به نظر می‌رسید اما امکان دیدن از خلال آن وجود داشت، ب) یک چشم‌بند تیره، یا ج) آشنایی با مبانی چشم‌بند را تجربه کردند. کودکانی که تجربه چشم‌بند تردستی را داشتند اکنون به صورت معنادار بیش از گروه کنترل، مسیر حرکت چشم بزرگسال با چشم‌بند را دنبال کردند. پژوهشگران سه مکانیزم را که در زیربنای ظرفیت کودکان برای استفاده از تجربه شخصی به عنوان چهارچوب درک ادراک دیداری دیگران وجود داشت، پیشنهاد کردند.

کلمه، فکر، و عمل: نقش مقوله‌های شیء در استنباط‌های استقرایی کودکان و بازی اکتشافی

Schulz, L. E., Standing, H. R., & Bonawitz, E. B. (2008). Word, thought, and deed: The role of object categories in children's inductive inferences and exploratory play. *Developmental Psychology*, 44 (5), 1266-1276.

پژوهش‌های پیشین پیشنهاد می‌کنند که کودکان می‌توانند از برجسته‌های مقوله‌ای برای ساختن استنباط‌های استقرایی درباره ویژگی‌های علی نآشکار شیء استفاده کنند. در حالی که اگر الف) ویژگی اسناد شده در درون یک مقوله متغیر باشد، ب) طبقه دلخواه باشد (برای مثال، چیزهای کوچکتر از یک جعبه نان)، یا ج) ویژگی نسبت داده شده بر یک مداخله بیرونی بیش از ویژگی ذاتی شیء مبتنی باشد، این تعمیم‌های استقرایی در پیش‌بینی ویژگی‌های علی اشیا با شکست مواجه می‌شوند. در چهار مطالعه، پژوهشگران نشان دادند که پیش‌دبستانیها (میانگین سنی، ۴۸ ماه؛ دامنه سنی از ۴۲ تا ۵۷ ماه) نسبت به این محدودیت‌های استقرا حساس بودند و هنگامی که شواهد درباره ویژگی‌های علی اشیا با تعمیم‌های استقرایی (حاصل از نوع اشیا تا توانایی‌های علی آنها) در تعارض قرار می‌گرفتند، به اکتشاف گزینشی می‌پرداختند. براساس این یافته‌ها، پژوهشگران نتیجه گرفتند که اعمال اکتشافی کودکان در بازی آزاد از یادگیری علی حمایت می‌کنند.

ترجمه زهره صیادپور